

اتیمولوژی شهر خراجو

سعید ستارنژاد

اسفندماه ۱۳۹۲



تحقیقی پیرامون ایتمولوژی اسامی جغرافیایی شهر خراجو

سعید ستارنژاد

دانش آموخته کارشناسی باستان‌شناسی

مقاله حاضر بخش دوم تحت ایتمولوژی شهرستان مراغه می باشد. در این تحقیق سعی شده اسامی تپه ها، چشمه ها، دره و اسامی طبیعی شهر خراجو مورد بررسی و ریشه یابی مختصری قرار گیرد. از آنجا که شهر خراجو از قدمت تاریخی غنی برخوردار است ریشه یابی اسامی جغرافیای شهر کامک شایانی در جهت شناخت تاریخ و زبان شناسی منطقه خواهد نمود. امید است در آینده نه چندان دور در بخش سوم ایتمولوژی شهرستان مراغه به بحث زبان شناسی منطقه پرداخته شود و ریشه شناسی روستاهای مراغه در این بین نقش مهمی ایفا می کنند. آنچه در این تحقیق جالب بود وجود یک زبان واحد و اسامی جغرافیای منطقه است که نشان از وحدت و یک پارچگی است که در طول تاریخ در این منطقه حاکم بوده است.

در این بین به دلیل کم سواد بودن عده ای از مسئولین برخی نام های کهن شهرستان مراغه با اسامی بسیار نامفهوم تغییر یافته و از بار معنایی و تاریخی روستاهای منطقه بیارکامه است. امید است تحقیق حاضر مقدمه ای باشد تا مسئولین مسئولیت پذیر نسبت به تاریخ و فرهنگ منطقه آگاه تر شده و دیگر شاهد تغییر و دست کاری در اسامی باستانی روستاها نباشیم. یادمان نرود که تک تک اسامی جغرافیای اتفاقی بوجود نیامدند و بر اساس قواعد جغرافیای، اعتقادی، فرهنگی و... نام گذاری شدند.

شهر خراجو

شهر خداجو، مرکز بخش سراجو و در حدود ۳۰ کیلومتری شرق مراغه و ۲۶ کیلومتری جنوب کوه سهند واقع شده است. و با روستاهایی چون: ملاقاسم، شیخجان، بیلگ آوا (بلوک آباد)، آشاقی قاطرگوتورن (گلستان سفلی)، یوخاری قاطرگوتورن (گلستان علیا)، صومعه سفلی و تازه کند همسایه می‌باشد. بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۷ نفر و در آمار سال ۱۳۹۰ در حدود ۱۵۷۵ نفر بوده است. شهر خداجو (روستای خراجو) تا سال ۱۳۷۳ تابع بخش مرکزی شهرستان مراغه بوده که در سال ۱۳۷۴ طی تصمیمات هیئت محترم دولت به بخش و روستای خراجو در سال ۱۳۷۷ به شهر ارتقا یافت. متأسفانه به دلیل کم سواد یا به تعبیر بهتر عده‌ای نا آگاه و بی علاقه به تاریخ شهر در سال ۱۳۹۰ اقدام به تغییر نام شهر از خراجو به خداجو نمودند که خدا می داند این ناآگاهی‌ها کی باید تمام شود (ستارنژاد، ۱۳۹۱).

شهر فعلی خراجو شکل یافته از دو ایل بنام‌ها شور درق (ş or də rə) و اورتا طرف (Orta tərəf) می باشد. دو ایلی که شهر را به دو بخش تقسیم نمودند. در تاریخ گذاری شهر فعلی خراجو نمی توان تاریخ دقیقی بیان نمود ولی بنظر می رسد حمله قوم کرد تبار بلباس بی تاثیر نباشد. قومی که در دوره صفوی به مراغه هجوم آورده و روستاهای زیادی را با خاک یکسان نمودند. محوطه‌های تاریخی باقی مانده در اطراف شهر حکایت از دوران عصر آهن در منطقه دارند که متأسفانه از سوی مسئولین اقدامی در جهت حفظ آنها صورت نگرفته است.

قره بابا (Qare baba)

در قسمت غربی شهر قرار دارد با بررسی‌های سطحی که توسط نگارنده (ستارنژاد) صورت گرفت یافته‌های سفالی محوطه تکه سفال‌های شکسته‌ای بودند که طی تاریخ گذاری دوره عصر آهن را نشان می دهند سفال‌های که بسیار شبیه به سفال‌های یافت شده در محوطه تاریخی حسنلو دارند سفال‌های خاکستری که گویای دوره آهن

در منطقه آذربایجان هستند. در دوره قرون میانی اسلامی با دفن عالم ربانی یا در اصطلاح محلی میر یا پهلوان تبدیل به مکان مقدسی شد. و در دوره پهلوی دوم ساختمانی جهت زیارت قبر احداث گردید.

اتیمولوژی قره بابا

قارا: (قره / قرا / کیه. کارا) در اصل به معنی سیاه است. ولیکن مسقلا و یا در ترکیبات، معانی متعدد دیگری یافته است ۱- شوم مثل قارا خبر یا قارا بایرام. ۲- فرد عادی از طبقه پایین مقابل خواص و اشراف: قارا جماعت، قارا رعیت. ۳- دشت و اراضی بزرگ: قارا داغ، قارا چمن. و... (دیل دنیز ص ۵۸۷).

بابا: در متون عرفانی به معنای عارف. در فرهنگ لغت دیل دنیز چنین آمده: پدر بزرگ ۲- پدر (اخیرا تحت تاثیر فارسی بابا در آذ. این سوی ارس هم به معنی پدر آید). ما در منطقه آذربایجان در پسوند برخی کوهها لفظ بابا را داریم مثل حیدر بابای شهریار یا بابا داغ در جمهوری آذربایجان.

به نظر می رسد بابا یک لفظ مقدسی است که در نامگذاری اماکن مقدس در مناطق ترک زبان بسیار رواج دارد و شاید در باور و اعتقادات مردم بابا همان نقشی را ایفا می کند که الههها باروری در دوران پیش از تاریخ داشتند. از آنجا که کوه در بعد اعتقادی مردم بسیار مقدس شمرده شده و تمدنها بسیار سعی در ساخت کوهها مقدسی نمودن مثل زیگوراتهای ساخته شده توسط تمدن سومر یا ایلام. که نمادی از کوه مقدس محسوب می شوند تا از طریق همین کوههای مقدس یا زیگوراتهای ساخته شده به جایگاه خدایان که در باور آدمی آسمان باشد نزدیک تر شوند. نکته جالب وجود امامزادههای در بالای کوهها در منطقه آذربایجان می باشد. که همان تداوم مقدس بودن کوه را به نوعی نشان می دهند چرا که در متون عرفانی و اسلامی ما پیامبرانی بودند که در کوهها به عبادت پرداختند. مثل کوه طور برای حضرت موسی یا کوه و غار حرا برای خاتم انبیا(ص) و... همه اینها نشان می دهند که کوه در باور آدمی چه جایگاهی دارد و نقش غیر قابل انکار کوه را نمی توان در باور آدمی کتمان

نمود. در ذیل چند تصویر نشان از تدفین‌ها که در دوران قبل از میلاد مسیح بودند را نشان می‌دهد که بسیار جالب هستند.

زینال تپه سی / Zeynal tapasi

زینال + تپه

زینال: به احتمال قریب به یقین نام شخص باید باشد.

زینال تپه سی در حدود ۱km شمال شهر قرار دارد. محوطه دارای ۲ غار دستکند می‌باشد که بسیار شبیه به معابد عبادی مذهب صوفی‌گری است. داده‌های سطحی محوطه بیشتر متعلق به قرون میانی اسلامی بوده هر چند تعدادی سفال متعلق به دوران تاریخی نیز قابل مشاهده است. بنظر می‌رسد محوطه تداومی از دوران پیش از تاریخ تا اسلامی را داشته که در تاریخ شفاهی مردم خراجو از حمله قومی به این محوطه یاد می‌شود که موجب آوارگی مردم و مهاجرت آنها شده است.

جیغالی / Cigali

جیغا+لی

در فرهنگ لغت دیل دنیز چنین آمده است: جیغا: پری که بر دم پرندگانی مانند خروس و درنا روید. مجازا پری را گویند که سلاطین بر سر زنند. جیغالی: جقه دار، مزین به تاج. نیز به معنی آدم تقلب باز و دغل کار(دیل دنیز، ۵۳۹).

لی: پسوند نسبیت مثل: دنیزلی(منسوب به دریا)، شهرلی(منسوب به شهری) و...

روستای که طی حمله قوم بلباس با خاک یکسان شده و امروزه تنها آثاری از سفال شکسته و برخی ظروف سنگی باقی مانده است. این محوطه امروزه در لفظ عامیانه تحت عنوان خرابلر شناخته می شود و بخشی از باغات ایل شوردره را تشکیل می دهد.

خراجو/خره جی / Xərəcı:

"خره جی" اسم روستاهایی از توابع مراغه، عجب شیر و آذرشهر است. این واژه در فرهنگ‌های فارسی از جمله معین و دهخدا به معنی جای خراج محل جمع آوری خراج و باج.

در منطقه‌ی آذرشهر در بین "بنایان" وسیله‌ای به اسم "خره جی" کاربرد دارد که عبارت است از چارپایه‌ی بزرگی که تخته‌ی درازی بر روی آن نصب می کنند تا کارگران ساختمانی هنگام کار کردن بر آن بایستند. "خرک - داربست" و البته این کلمه در فرهنگ‌های ترکی نیز در این معنی ثبت شده است. جالب اینکه روستای "خرجی" آذرشهر نیز در جای مرتفعی نسبت به محیط پیرامون قرار گرفته است.

کتاب فرهنگ اسامی روستاهای آذربایجان شرقی: ۱. قاراجی = خارا (دسته - انبوه) + آجی (مرحمت - رحمت) =

مرحمت برف ۲. خره چی = داربست

اسماعیل هادی: هادی مولف فرهنگ "ایتمولوژیک واژه‌گان ترکی" معتقد هستند که "خره-جی" مورد استعمال شده از کلمه‌ی "قره چی" در معنی "ایلات - کوچندگان - کولی" می باشد. قره چی = خره چی = خره جی. (دکتر جعفر زاده).

آغ قایا اوستی / آق قیه اوستی / Aq qaya ustu

آغ + قایا + اوستی

آغ: سفید. مثل آغ آت. قایا: تخته سنگ بزرگ. اوست: بالا. مقابل آست: پایین، زیر

در پایین زمین تخته سنگ‌های سفید رنگ (آهکی) وجود دارد.

آغ یئرلر / آغ ییلر / Aq yerlar

آغ + یئرلر

آغ: سفید. یئرلر: زمین‌ها

زمین‌های این منطقه سفید رنگ هستند. دارای آهک که در اصطلاح محلی آغ اؤش نامیده می شود.

آغ دره / آغ در / Aq dara

آغ + در

آغ: سفید. در: دره

دره‌ای که سفید رنگ است.

اسفندیار کالاه / ایسفندیار کَلّی / Esfandiyar Kalah

اسفندیار + کالاه

اسفندیار: نام شخص

کالاه:

اورتا طرف / اویتا طرف / Orta Taraf

اورتا + طرف

اورتا: وسط. طرف: سمت

بالی درسی / بالی دَرسی / Bali qaya

بال + در + سی

بال: عسل مثل بالی قیه روستای که عسل طبیعی در کوه‌های آن یافت می شود.

در: دره. سی: پیشوند مکان و نسبیت.

تَپَه دیبی / تپه دیبی / Təpa Dibi

تپه + دیب

تپه: تپه, پشتۀ خاکی

دیب: بغل, عمق

یک تپه باستانی که داده‌های سفالین تاریخ قرون اوایل اسلامی رو نشان می دهد. به نظر می رسد که وجود آب در محوطه باعث متروک شدن و مهاجرت ساکنین این تپه باستانی به مناطق دیگر شد. منطقه مورد مهاجرت بنظر می رسد تپه یا به تعبیر صحیح‌تر روستای جیغالی بوده باشد که در فاصله چند صد متری محوطه تپه دیبی قرار دارد.

جادا درسی / جادا درسی / Cada Dərə

جادا + در

جادا: جاده, راه ارتباطی که از خراجو عبور کرده و به طرف سهند عبور می کند.

چتین درسی / چتین دَر / Catin Dərə

چتین + در

چتین: سخت و دشوار: به دلیل سختی و صعب العبور بودن دره به این نام معروف گشته است.

چلان یئرلری / چیلان ییلری / Cilan Yerl ə ri

چلان + یئر

چیلان: نام روستای است در حدود ۴ کیلومتری شرق خراجو

یئر: زمین. زمین‌های که در نزدیکی یا مرز روستای چلان واقع شدند.

خرمن درسی / خرمن درسی / Xarman Dərə

خرمن + یئر

خرمن: محلی که در آن کشاورزان کار کوبیدن محصولات کشاورزی خود را انجام می دهند.

دگیرمان درسی / دیمان درسی / Deyman darasi

دگیرمان: در اصطلاح عامیانه دیمان. محلی که در آن وسایل ابتدایی آسیاب آبی وجود داشته که متأسفانه امروزه آثاری از آنها باقی نمانده است.

قارقا دَرسی / قارقا درسی / Qarqa Dərə

قارقا: کلاغ. دره‌ای که در آن کلاغ‌ها زیادی قابل مشاهده است.

قبله درسی / قبیلہ درسی / Qibla Dərə

قبله: سمت جنوب. دره‌ای که جهتش رو به جنوب است.

قرمزی یارقان / قیرمزی در / Qrmizi dara

قرمزی + یارقان

قرمزی: سرخ رنگ معادل ترکی آن قیزیل

یارقان: پرتگاه

پرتگاهی که خاکش به رنگ قرمز است.

قیزیل یازیلار / قزل یازلار / Qizil yazilar

قیزیل + یازلار

قیزیل: سرخ رنگ و به تعبیر دیگر طلا

یازی: نوشتار

قیزیل یازیلار: نوشتاری که به رنگ سرخ می باشد؟؟؟

نامی است جالب که نیاز به تحقیق مفصلی دارد چرا که منظور از نوشتار طلایی چیست. و یا می تواند استعاره از

مرغوب بودن زمین های این منطقه است.

سد درسی / سد درسی / Sad darasi

سد+ در؟

شرشر بولاغی / شی شی بولاغی / Sr sr Bulagi

شرشر+ بولاغ

شرشر: صدای آ که از بلندی به پایین سرازیر باشد

شوردَره / شوی در / şor Dərə

شور+ دره

شور: شور بودن زمین یا دره

مردم شوردره در کنار دره‌ای ساکن هستند که روزگاری به این مکان مهاجرت نمودند و در کنار دره شور(شور در) اسکان نمودند. این ایل زمین‌های کشاورزی مجزایی با مردم اورتا طرف دارند و جالب این که حتی مساجد و مرز خانه‌های ۲ ایل نیز از هم جدا است. شاید با بررسی های دقیق بتوان چنین گفت که دو ایل از دو نقطه مجزا به خراجوی فعلی مهاجرت نمودند و شهر امروزی را شکل دادند.

لیلان چای / Leylan cay

لیلان+ چای

رودخانه لیلان یا به زبان محلی خرجی چای از رودخانه‌های مهم منطقه می باشد که نقش مهم کلیدی در شکل گیری اجتماعات انسانی در منطقه جنوب سهند و سراجو دارد. این رودخانه از دامنه‌های پایین دست سهند سر چشمه گرفته و پس از مشروب نمودن باغات مردم سراجو به دریاچه ارومیه می ریزد. در حاشیه مسیر رودخانه اجتماعات انسانی که بعضی از آنها به مرور از بین رفتن را می توان مشاهده کرد که از دوران‌های مختلف تاریخ در حاشیه این رودخانه زیست می نمودند. مانند تپه‌های خراجو، یئدی قویوی کرمجوان و... این محوطه‌ها حکایت از تاریخ مهم این رودخانه است هر چند وجه تسمیه رودخانه مثل روستای لیلان ملکان مشخص نیست ولی بی شک از یک بار معنای بر خور دار است.

گوزلر / گوزلر / Gozalar

گوز: چشم. کنایه از چشمه و آبگیر

لر: پسوند جمع ترکی مثل داشلار. آتلار(اسب ها).

گونی کالاهی / گونی کالاه / Guney kalahi

گونی: رو به آفتاب. زمینی که رو به آفتاب است.

هر درلر / هی درلر / Har daralar

هر + در

هر؟

مالا داشی / مالا داشی / Mala dasi

مالا + داش

مالا: آخوند، روحانی.

داش: سنگ

مالا داشی: سنگ بزرگی است که بنا به اعتقاد سالخوردگان زمانی روحانی در روی آن می نشست.

چشمه‌ها

کلیه چشمه‌های شهر خراجو از نام شخص خاصی گرفته شدند.

پیری بولاغی / Piri bulagi

پیری: نام شخص

جابا بولاق / Caba Bulaqi

جابا؟

حسن خان بولاغی / Hasan xan Bulaqi

قاسم گولو / Qasem Golu

سویوخ بولاغ / SOYUX Bulaq

ایستی بولاغ / Isti bulaq

شرشر بولاغی / ş r sr bulaq

عیواض گوزسی / Ayvaz gozasi

آرخلار

خارابالار آرخی / Xarabalar Arx

قرمزی برّ / Qrmizi Bara

گیلیک آرخی / Gilik Arx

مشه آرخی / Mesa Arx

مشه + آرخ

مشه: بیشه زار. جوی آبی که از بیشه زار سرچشمه می گیرد. یا به تعبیر بهتر آب بند این جوی از بیشه زار می باشد.

موسی بولاغی / Musa bulaq

موسی: نام خاص

یوخاری آرخی / Uxari Arx

از بالای شهر(روستای قدیم) عبور می کند.

منابع

- بهزادی، بهزاد، فرهنگ آذربایجانی فارسی (ترکی)، انتشارات فرهنگ معاصر، چ ۲، ۱۳۸۲.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- جعفر زاده، حسن، اتیمولوژی اسامی آذرشهر، تبریز، ۱۳۹۱.
- ستارنژاد، سعید، نگاهی به سراجو، تبریز، انتشارات عمیدی، ۱۳۹۱.
- ستارنژاد، سعید، اسامی جغرافیای مراغه، نشریه سیمای مراغه، تیرماه، سال دهم، شماره ۳۲۱، ص ۴، تبریز، ۱۳۹۲.
- قدر گلکاریان، فرهنگ لغات فارسی- انگلیسی ترکی استانبولی، انتشارات رهنما، چاپ اول ۱۳۸۰.
- هادی، اسماعیل، دیل دنیز لغت نامه جامع اتیمولوژیک ترکی به فارسی، تبریز، اختر، ۱۳۸۶.



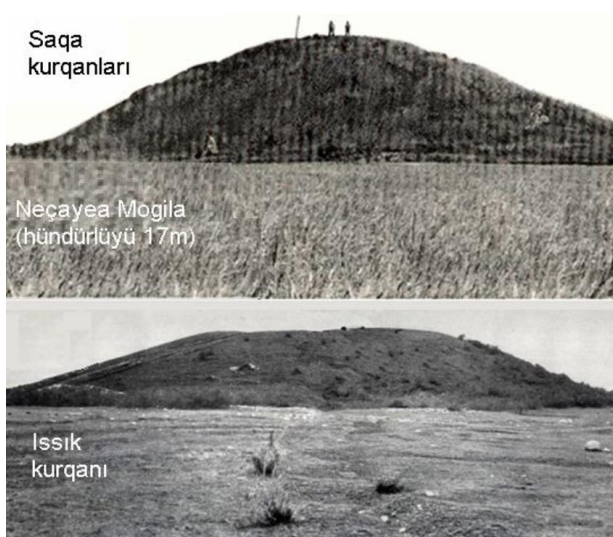
تصویر ۱: سفال‌های عصر آهن قره بابا قابل مقایسه با حسنلو (سولدوز - نقده)



تصویر ۲: محوطه قره بابا



تصویر ۳: پراکندگی این نوع تدفین ها (از کتاب داش بابا)



از کتاب داش بابا. تدفین های سکایی

در پایان

این تحقیق کم حجم، تقدیم به همه آنهایی که با قلم های روشن خود سعی در هویدا نمودن تاریخ یک سرزمین هستند و به دور از هر گونه تعصب دست به قلم می
برند و بی شک امانت داران واقعی آنها هستند.



وسلام علیکم

سعید ستارنژاد - مرانده - اسفندماه ۱۳۹۲

saeidsattarnejad@yahoo.com

09148289512